



خرداد ۱۳۹۹

یکی از نگران‌کننده‌ترین پدیده‌های سال‌های اخیر، ظهور تماشاییِ راست افراطی در سرتاسر جهان است؛ حکومت‌هایی مستبد و مرتجع؛ در برخی از جنبه‌ها با مشخصه‌های نئوفاشیستی: شینزو آبه (ژاپن)، مودی (هند)، ترامپ (ایالات متحده آمریکا)، اوربان (مجارستان) و بولسونارو (برزیل) بهترین نمونه‌های شناخته‌شده هستند. جای تعجب نیست که چند نفر از آنها نسبت به پاندمی کرونا ویروس واکنش نامعقولی نشان دادند و به طرز چشمگیری خطر را انکار یا دست کم گرفتند. نمونه‌های این واکنش در هفته‌های نخست، ترامپ و مُریدِ انگلیسی‌اش، بوریس جانسون بودند. جانسون حتی پیشنهاد کرده بود برای اینکه «ایمنی جمعی» در سرتاسر کشور به قوت خود باقی بماند، بگذارید کل مردم -البته به قیمت چند صد هزار کشته- به ویروس مبتلا شوند. اما در مواجهه با بحران، ترامپ و جانسون مجبور به عقب‌نشینی شدند، تا آنجا که خود جانسون به شدت مریض شد.

مورد برزیل از این رو منحصر به فرد است که بولسونارو (رئیس جمهور برزیل) در نگرشش بر انکار پافشاری می‌کند و از کرونا ویروس به مثابه یک «آنفلوآنزای کوچک» (Gripezinha) نام می‌برد: تعریفی که سزاوار درج شدن -نه در سالنامه پزشکی- بلکه سالنامه دیوانگی سیاسی است. اما این دیوانگی از منطق خودش که همان منطق نئوفاشیسم باشد برخوردار است.

نئوفاشیسم تکرار دوباره فاشیسم دهه ۱۹۳۰ نیست: نئوفاشیسم پدیده نوینی است با ویژگی‌های قرن بیست و یکمی. برای نمونه نئوفاشیسم صورت یک دیکتاتورِ پلیسی را به خود نمی‌گیرد، و از سویی دیگر به برخی از اشکالِ دموکراتیک -انتخابات، پلورالیسم حزبی، آزادی مطبوعات، وجود مجلس و غیره احترام می‌گذارد. طبیعتاً تا آنجایی که امکان آن می‌رود

نئوفاشیسم به همان اندازه که توأم با اقدامات استبدادی و سرکوبگرانه است؛ برای محدود کردن این آزادی‌های دموکراتیک هم تلاش می‌کند. نئوفاشیسم همچنین به نیروهای مسلح ضربت همچون اس.اس‌های آلمانی یا فاشیست‌های ایتالیایی متکی نیست.

این مسئله در مورد بولسونارو نیز صدق می‌کند: او نه هیتلر است نه موسولینی، او حتی همچون نقطه مرجع‌اش یعنی نسخه برزیلی فاشیسم در دهه ۱۹۳۰؛ یک‌دست‌سازی پلینیو سالگادو را هم ندارد. در حالی که فاشیسم کلاسیک از مداخله گسترده دولت در اقتصاد دفاع می‌کرد، نئوفاشیسم بولسونارو کاملاً با نئولیبرالیسم شناخته می‌شود، و هدف آن تحمیل سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی مطلوب در راستای الیگارشی است؛ بدون هیچ‌گونه وانمود «اجتماعی» به فاشیسم قدیمی.

یکی از نتایج این نسخه بنیادگرایانه نئولیبرالیسم از بین بردن خدمات بهداشت عمومی برزیل است که از پیش به واسطه سیاست‌های دولت قبلی کاملاً ضعیف شده بود. در این شرایط بحران سلامتی ناشی از کرونا ویروس می‌تواند عواقب سوگناکی برای فقیرترین بخش‌های جامعه داشته باشد.

یکی دیگر از مشخصه‌های نئوفاشیسم برزیلی -علی‌رغم رتوریک فراملی‌گرایانه و میهن‌پرستانه‌اش- این است که از نقطه‌نظر اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی و سیاسی کاملاً تابع امپریالیسم آمریکا است. این تابعیت همچنین خودش را در واکنش به کرونا ویروس نمایان ساخت؛ آنجا که مشاهده نمودیم بولسونارو و وزیرایش به دنباله‌روی از دونالد ترامپ چینی‌ها را به‌خاطر اپیدمی کرونا سرزنش می‌کردند. اما آنچه‌ی که بولسونارو در آن با

فاشیسم کلاسیک اشتراک دارد؛ اقتدارگرایی، اولویت قائل شدن برای صورت‌های دیکتاتورِ حکومت، پرستشِ سرور (اسطوره) منجی قوم، نفرت از چپ و جنبش‌های کارگری است. اما او قادر به سازماندهی یک حزب توده‌ای یا نیروهای یکدستِ ضربت نیست. در حال حاضر او نمی‌تواند یک دیکتاتورِ فاشیستی و دولتی توتالیتری ایجاد کند، یا پارلمان را ببندد، و اتحادیه‌ها و احزاب مخالف را بیرون از چارچوبِ قانون قرار دهد.

اقتدارگرایی بولسونارو در «نحوه مواجهه‌اش» با اپیدمی نمایان است؛ آنجا که سعی می‌کند سیاستِ کورکورانه امتناع از حداقل اقدامات بهداشتی را علیه انجمن‌ها، دولت‌های ایالتی و وزیرانش تحمیل کند؛ و نهایتاً این اقتدارگرایی در تلاشِ بایسته‌اش در راستای محدود کردن پیامدهای چشمگیر این بحران (قرنطینه و غیره) آشکار می‌شود. نگرش او همچنین ردپایی از داروین‌یسم اجتماعی (نوعی فاشیسم) را به جا می‌گذارد: بقای قویترین‌ها. اگر هزاران افراد آسیب‌پذیر - افراد سالخورده با وضعیت سلامتی ضعیف - بمیرند، این هزینه‌ای است که باید پرداخت کرد: «برزیل نمی‌تواند از حرکت باز ایستد.»

جنبه خاصی از نئوفاشیسم بولسوناریستی، تارکاندیشی و تحقیر علم در اتحاد با هواداران بی قید و شرط؛ با عقب‌مانده‌ترین بخش‌های نئوپنتی‌کاستالیسم انجیلی (Evangelical neo-Pentecostalism) است. این نگرش - درخور نظریه «زمین تخت» - در دیگر رژیم‌های اقتدارگرا حتی آن‌هایی که ایدئولوژی‌شان بنیادگرایی مذهبی است (داعش) معادلی ندارد. ماکس وبر میان مذهب: مبنی بر اصول اخلاقی، و جادو: اعتقاد به قدرت ماوراءطبیعی کشیشان، تمایز قائل می‌شود. در مورد بولسونارو و دوستان

کشیشِ نئوپنتی کاستالیسم اش (سیلاس مالفایا، ادیر ماسدو و دیگران) مسئله به جادو یا خرافات مربوط می شود [نه مذهب]: متوقف کردن پاندمی با «نیایش (نماز)» و «کف نفس (روزه)».

اگرچه بولسونارو هنوز نتوانسته است برنامه مرگ آور خود را تمام و کمال تحمیل کند، اما بخشی از آن - برای مثال کاهش محدودیت ها - ممکن است خودش را از طریق مذاکرات غیرقابل پیش بینی رئیس جمهور با وزیرای نظامی و غیرنظامی اش اعمال کند.

علی رغم رفتار روان پریشانه شخصیتِ شروری که در حال حاضر منصوب در کاخ ریاست جمهوری است و تهدیدی که او برای سلامت همگانی دارد؛ باز هم بخش قابل توجهی از جمعیت برزیل - به میزان کمتر یا بیشتری - هنوز از او حمایت می کنند. بر اساس نظرسنجی های اخیر ۱۷ درصد از رأی دهندگانی که به او رأی داده بودند از رأی دادن شان پشیمان هستند و بیشتر مردم مخالف برکنار شدن او از نقشش هستند.

مبارزات چپ و نیروهای مردمی برزیل علیه نئوفاشیسم هنوز در مراحل آغازینش است. مبارزه برای شکست این ریختار سیاسی نابهنجار [نئوفاشیسم] چیزی بیشتر از چند اعتراض زیبای برزیلی های قابلمه به دست را می طلبد. بسیار خوب، دیر یا زود مردم برزیل از کابوس نئوفاشیسم رهایی خواهند یافت. اما تا آن زمان به چه قیمتی؟

در روز دوم ماه آوریل بولسونارو اظهارات مهمی را بیان کرد: «هفتاد درصد جمعیت به کووید ۱۹ مبتلا خواهند شد، این اجتناب ناپذیر است.» البته با توجه به منطق «ایمنی جمعی» (ایده ای که ابتدا از جانب ترامپ و بوریس

جانسون مطرح شد، اما بعدها ره‌اش کردند) چنین چیزی ممکن است اتفاق بیافتد. اما این رویداد تنها زمانی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود که بولسونارو موفق به اعمال سیاست‌اش در راستای امتناع از اقداماتِ بازدارنده شود: «برزیل نمی‌تواند از حرکت باز ایستد.»

این امر چه عواقبی خواهد داشت؟ میزان مرگ‌ومیرِ کووید ۱۹ در برزیل در حال حاضر هفت درصدِ آن‌هایی را شامل می‌شود که مبتلا شده‌اند. یک محاسبهٔ شمارشی ساده منتهی به نتیجه‌گیری زیر می‌شود: (۱) اگر هفتاد درصدِ جمعیت برزیل مبتلا شوند، رقم مبتلایان به ۱۴۰ میلیون نفر خواهد رسید. (۲) هفت درصدِ مرگ‌ومیر از میان ۱۴۰ میلیون نفر مبتلا؛ می‌شود مرگِ حدود ۱۰ میلیون نفر. (۳) در نتیجه اگر بولسونارو سیاست‌اش را به پیش ببرد ۱۰ میلیون برزیلی خواهند مُرد.

این پدیده در ادبیات حقوقِ بین‌الملل نسل‌کشی خوانده می‌شود. برای این چنین جنایتی، چندین مقامِ نازی توسط دادگاه نورنبرگ به‌دار آویخته شدند.

این متن ترجمه‌ای است از:

Lowy, Michael (2020). Gripezinha–the little flu: neofascist Bolsonaro in the face of the pandemic. Global ecosocialist network.